

تنبيه بدنى، چالش حل نشده نظام آموزشى

اگر تا چند دهه پيش، معلم مکتب خانه به خود اجازه می داد دانش آموز را به فلک بکشد، حالا این روزها در برخی مدارس کشور، گویى چوب فلک، جای خود را به لوله پولیکا داده است.



اگر تا چند دهه پيش، معلم مکتب خانه به خود اجازه می داد دانش آموز را به فلک بکشد، حالا این روزها در برخی مدارس کشته، گد، حب فلک، حاء، خمد، ا به لاله بهلیکا داده است. چند روز اخير را باید به عنوان روزهای بد دانش آموزان کشور به حساب آورد. از یک طرف، مدیر یک مدرسه در گناوه، بچه ها را به صف کرده و با لوله پولیکا به جان همه افتاده که در این بین، دست یک دانش آموز دچار عفونت شدید شده است. صدها کیلومتر آن طرف تر، معلم یک مدرسه در ورامین، چند دانش آموز افغان را مجبور کرده دستشان را در کاسه توالت کنند سپس در دهانشان بگذارند.

البته اینها فقط خبرهای رسمی و منتشر شده از تنبيه غيرانسانی دانش آموزان در روزهای اخير است و معلوم نیست در همین مدت، چند دانش آموز ديگر در مدارس کشور، روح و جسمشان مورد تهديد معلم کلاس قرار گرفته است. در همین شرایط، وزير آموزش و پرورش به ایسنا گفته است که در آیین نامه اجرایی مدارس، پيش بينی های لازم برای برخورد با رفتارهای خشن که تعدادش بسیار اندک است، انجام شده، اما ایجاد رفتار مطلوب نیازمند فرهنگ سازی است. به اعتقاد علی اصغر فانی، از حدود یک میلیون معلم و کارمندی که مشغول انجام کار هستند، شاید یک تا سه مورد از این گونه رفتارها داشته باشند که با فرهنگ سازی در نظام آموزشی هر روز کمتر می شود، ضمن این که دادگاه های تخلفات اداری این مسائل را پیگیری می کند.

شاید به اعتقاد این مقام مسئول، فرهنگ سازی و برخورد قانونی با این گونه تخلفات، بتواند در مقابل پدیده تنبيه در مدارس بایستد، اما واقعیت این است تا وقتی که نظام آموزشی، نتواند پا به پای تغییرات نسلی حرکت کند و خود را با شرایط جدید وفق بدهد، احتمال وقوع دوباره چنین درگیری هایی دور از ذهن نیست.

کشته شدن یک معلم از سوی دانش آموزش در بروجرد که اخبارش چند هفته قبل، در سطح وسیعی منعکس شد و همچنین انتشار اخبار متعدد تنبيه بدنى دانش آموزان از سوی معلمان، بصراحت موید این موضوع است که رابطه و تعامل بین معلم و دانش آموز، نیاز به تعریف جدیدی دارد و ديگر نمی توان با همان کلیشه های چند دهه قبل، کلاس درس را مدیریت کرد.

سرمایه گذاری برای بهبود رابطه معلم و دانش آموز

نیاز به توضیح بیشتر ندارد که تنبيه بدنى از سوی همه معلمان سر نمی زند و فقط طیف محدودی از آنها، حاضر می شوند دست روی شاگردشان بلند کنند، اما به هر حال باید برای جلوگیری از تکرار این اتفاق ها، نظام آموزشی خود را به روز کند و از تغییرات بنیادین واهمه نداشته باشد.

از طرف ديگر، اگر پای حرف معلم ها بنشینید، خیلی از آنها معتقدند دانش آموزان نسل فعلی، با دانش آموزان قدیمی خیلی فرق دارند و به دلیل فرزندسالاری و روش های غلط تربیتی در خانواده ها، همین هنجار به دانش آموزان هم انتقال پیدا کرده است و معلم نمی تواند مثل گذشته، کنترل زیادی روی رفتار دانش آموزان داشته باشد.

کارن خانلری، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت و گو با جام جم پیشنهاد می دهد: همان طور که در برخی کشورها، روان شناسان و مربیان در کلاس های درس حضور دارند و تا پایان هر مقطع تحصیلی با دانش آموز می مانند، ما هم می توانیم از همین الگو استفاده کنیم.

وی عنوان می کند: در این کشورها، مربی و روان شناس، پس از سال ها وقت گذراندن با دانش آموز، بخوبی از روحیات دانش آموز با خبر است و به همین دلیل، می تواند با مشاوره دادن، راهنمایی و کمک کردن به دانش آموز و معلم، از بروز خشونت بین معلم و دانش آموز جلوگیری کند، ولی در کشور ما چندان این موضوع جدی گرفته نمی شود.

به اعتقاد این نماینده مجلس، گرچه باید با معلمان خاطی برخورد شود، اما تا وقتی سیستم آموزشی بازنگری نشود و مربیان و روان شناسان در مدارس حضور فعال و مستمر نداشته باشند، احتمال تکرار چنین حوادثی وجود خواهد داشت.

آمار تنبيه روانی در دسترس نیست

تنبيه دانش آموز، فقط در محدوده تنبيه بدنى جای نمی گیرد، بلکه هنوز هم معلمانی پیدا می شوند که دانش آموز را در سر کلاس درس، مورد تحقیر و استهزا قرار می دهند یا با خشونت کلامی یا صحبت های آمیخته با توهین با دانش آموز رفتار می کنند.

حسن موسوی چلک، رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران معتقد است نوع روانی تنبيهات دانش آموزان را نمی شود ارزیابی کرد، زیرا مبنایی برای سنجش آن وجود ندارد.

او به ایسنا توضیح می دهد تنبيه کودکان در مدارس مدتی است بیشتر شنیده می شود، زیرا در مدارس مددکار اجتماعی نداریم و مشاور به اندازه کافی وجود ندارد، اما با این حال این انتظار وجود دارد تا یک معلم با این حجم از دانش آموزان، اطلاعات لازم را دریافت و خدمات اجتماعی ارائه کند.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران تاکید دارد که آموزش و پرورش، جایگاه خود را در نظام سلامت اجتماعی باور نکرده است. همچنین سیاستگذاران هیچ گاه آموزش و پرورش را به عنوان یک نهاد موثر اجتماعی نشناخته و باور نکرده اند و مصداق آن را می توان در ساختار فعلی آموزش و پرورش جست که مددکار اجتماعی برای آن پیش بینی نشده و مشاور به اندازه کافی در سیستم وجود ندارد.

البته به اعتقاد موسوی چلک، شرایط جامعه بیرون از مدرسه نیز در رفتار افراد در مدرسه تاثیر دارد و باید پذیرفت خشونت وجود دارد و نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود.

گرچه بروز خشونت در جامعه را نمی توان انکار کرد، اما نباید از یاد برد که خشونت در مدارس، می تواند به مراتب تاثیرات مخرب تری به همراه داشته باشد. سن پایین دانش آموز، آسیب پذیری بیشتر او و از همه مهم تر، انتقال فرهنگ خشونت از طریق تنبیه بدنی و روانی او، ممکن است این شرایط را پیش بیاورد که دانش آموز، از جاده سلامت جسم و ذهن خارج شود. در واقع گسترش تنبیه در مدارس می تواند کاری کند که دانش آموز فارغ التحصیل با انبوهی از عقده های روانی و دردهای جسمی، روانه جامعه، دانشگاه و بازار کار شود.

گروه جامعه / روزنامه جام جم